

خلیج فارس در قراردادهای عربی و معاهدات و حقوق بین الملل

• دکتر محمد عجم

علی‌رغم این که در کشورهای جهان در اصالت تاریخی و حقوقی نام خلیج فارس تردید وجود ندارد، اما در سال‌های اخیر، در بعضی کشورهای عربی تعدادی از مؤسسات و نهادهای حکومتی بر تغییر نام خلیج فارس اصرار ورزیده‌اند و تغییر در ژئوپلیتیک منطقه و تشکیل ۶ کشور عربی در سواحل خلیج فارس را علت اصلی تغییر نام خلیج فارس می‌دانند؛ اما تعدادی از افراد حقیقی و حقوقی عرب در کشورهای عربی، ضمن مخالفت با تغییر نام خلیج فارس معتقدند: «از دوران صدر اسلام، نام خلیج فارس مورد قبول و استفاده‌ی اعراب بوده و علی‌رغم این که در طول سده‌های گذشته همواره تغییراتی در منطقه به وجود آمده است، اما تغییر نام ضرورتی نیافته است. اگر ضرورتی وجود داشت، باید در دوره‌ی صدر اسلام و یا دوره‌ی خلفای راشدین و دوره‌های بعد این نام تغییر می‌کرد. از آنجاکه کاربرد مستمر و بدون وقفه‌ی نام خلیج فارس در مکتوبات عربی و اسلامی، به ویژه در تمامی کتب جغرافیایی، تمام تفاسیر قرآنی و کتب مذهبی (۸۰ مورد)، نقشه‌ها و اسناد این نام را به یک میراث اسلامی و عربی تبدیل کرده، تغییر این نام کهن، ضربه به هویت و میراث معنوی منطقه است.»^۱

در کتاب «اسناد نام خلیج فارس میراثی کهن و جلودن»، وجود نام خلیج فارس بر روی ۱۶۰۰ نقشه‌ی دوره‌ی قرون وسطی و حدود ۳۰۰ کتاب اروپایی، عربی و اسلامی و ۸۰ تفاسیر قرآنی و کتاب مذهبی و ده‌ها قرارداد منطقه‌ای و بین‌المللی، بررسی شده و نشان می‌دهد که حتی یک مکتوب عربی و اسلامی وجود ندارد که تا قبل از سال ۱۹۵۸ خلیج فارس را خلیج عربی نامیده باشند.^۲ در متن همه‌ی قراردادهای تاریخی میان ایران و کشورهای خارجی و یا میان اعراب و دولت‌های خارجی، در دو هزاره‌ی گذشته و به‌ویژه در چند قرن اخیر، هرچا نامی از پهنه‌ی آبی جنوب ایران آمده، در زبان فارسی و عربی با نام‌های خلیج فارس، بحر فارس، بحر عجم و خلیج ایران و در سایر زبان‌های دنیا نیز معادل آن‌ها به کار رفته است.

متن تعدادی از عهدنامه‌ها و قراردادهای تاریخی که مورد بررسی نویسنده کتاب مذکور قرار گرفته و در متن فارسی و عربی (خلیج فارس و در چند مورد بحر عجم و در متن انگلیسی پرشین گلف (Persian Gulf) به کار رفته به شرح زیر است.^۳

۱- قرارداد ۱۶۲۲ م. (۱۰۳۱ ق.) میان شاه عباس و ادوارد کنوک، سفیر بریتانیا و نماینده‌ی کمپانی هند شرقی.

۲- فرمان کریم‌خان دربارہ‌ی اعطای اختیارات به ویلیام اندرو پرایس، حاکم

بریتانیا در خلیج فارس (۱۷۶۳ م.).

۳- قرارداد یا عهدنامه‌ی مجمل ۱۸۰۹ مارس ۱۹ (۱۲۲۴ ق.) ایران و انگلیس، بریتانیا حاکمیت ایران را بر کل خلیج فارس به رسمیت شناخت و متعهد شد کشتی‌های انگلیس فقط از نقاطی که دولت ایران اجازه می‌دهد، حق عبور داشته باشند.^۴

۴- در متن فارسی عهدنامه‌ی ۱۲ ماده‌ای دولت ایران (قرارداد مفصل) عباس میرزا با سرگوراولی (سفیر انگلیس) به سال ۱۲۲۷ ق. دارالخلافه طهران، در فصل هفتم، بحر قلزم (دریای سرخ)، و در فصل نهم، بحرالعجم و در متن انگلیسی پرشین گلف آمده است.^۵ این معاهده و قرارداد مجمل هر دو به امضای پادشاه دو کشور نیز رسیده است.

۵- بند نهم عهدنامه‌ی جیمز موریه و هنری الیس در دارالخلافه طهران، ۱۲۲۹ ق. (۱۸۱۴ م.) در متن فارسی بحرالعجم در انگلیسی «پرشین گلف» ثبت شده است.

۶- در معاهده‌ی ۱۸۵۱ م. ایران و انگلیس در خصوص منع تجارت برده در خلیج فارس (خلیج فارس و پرشین گلف ثبت شده است).

۷- در فصل سیزدهم متن فارسی عهدنامه‌ی صلح ایران و انگلیس، معروف به معاهده‌ی صلح پاریس (۱۸۵۷ م.) خلیج فارس به کار برده شده است.

۸- در معاهده‌ی (۱۸۸۲ م.) منع تجارت برده، عنوان «خلیج ایران» به کار رفته است.

۹- در عهدنامه‌ی تجارت ایران و یونان (۱۸۶۱). بند هشتم راجع به تجارت در خلیج فارس است، که در متن فارسی «خلیج فارس» و در متن فرانسه «پرسین گلف» به کار رفته است.

۱۰- در عهدنامه‌ی ایران و فرانسه ۱۸۰۸ م. (۱۲۲۲ ق.) با امضای ژنرال گاردان و میرزا شفیق نیز «خلیج فارس» و «پرسین گلف» به کار رفته است.

۱۱- در فصل دوم معاهده ایران و اسپانیا (۱۸۷۰ م.) در متن فارسی، خلیج فارس، و در متن اسپانیایی، پرسینک گلف به کار رفته است.

۱۲- در نقشه‌های سرحدی ملحق به پروتکل ۱۹۱۳ م. ایران و ترکیه، خلیج فارس ذکر شده و رودزاب کوچک یا کیالو، با نهر عجم توصیف شده است.

در دهه‌های معاهده‌ی دیگر و فرمان‌ها و دستورهای حکومتی نیز عنوان «خلیج فارس» به کار رفته که به دلیل طولانی شدن، از بیان آن خودداری می‌شود.

از سال ۱۵۰۷ تا ۱۹۶۰ م. در همه قراردادهای معاهده‌هایی که پرغالی‌ها، اسپانیایی‌ها، انگلیسی‌ها، هلندی‌ها، فرانسوی‌ها، بلژیکی‌ها، روس‌ها و آلمانی‌ها با دولت ایران و یا هر کشور و پدیده‌ی سیاسی و یا امرای تحت‌الحمایه خود در منطقه امضاء کرده‌اند، در زبان‌های مختلف، واژه‌های مترادف با خلیج فارس را به کار برده‌اند.

قراردادهای میان کشورهای عربی

در قراردادهایی که میان امرای عربی کویت، عربستان، بحرین، عراق، عمان و امارات متصالحه با فرستادگان دول خارجی منعقد شده، به زبان عربی «خلیج فارس و بحر فارس» و معادل انگلیسی آن «پرشین گلف» به کار رفته که به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

در ۱۸ قرارداد از ۲۲ قرارداد و معاهده‌ای که در کتاب «قراردادهای سیاسی و اقتصادی بین امارات ساحل عمان و بریتانیا»^۶ چاپ شده است، عبارت بحر فارس و خلیج فارس به کار رفته است. البته این نویسنده در بازچاپ همه‌ی ۲۲ قرارداد موجود در کتابش «خلیج فارس» را حذف و به صورت خلیج و یا خلیج عربی آورده است؛ اما در تصویر اصل قراردادها روی جلد کتاب و ضمائم انتهایی کتاب تحریف آشکار می‌شود. به طوری که در تصویر دو قرارداد زیر که اصل آن روی جلد کتاب نیز چاپ شده موضوع تحریف مشخص است.^۷

الف: در قرارداد میان شرکت نفت انگلوایرانی و حاکم دبی، قرارداد بین شرکت نفت انگلیس - ایران و شیخ سعیدبن مکتوم حاکم دبی به تاریخ ۱۰ می ۱۹۳۹ در متن انگلیس نام خلیج فارس به صورت ناقص به کار رفته ولی متن عربی سیاست انگلیسی‌ها برای مخفف کردن نام‌ها را اصلاح و عبارت «مفتش و کالات النفط لشرکه النفط الانکلیزیه الایرانیه‌المحدوده فی خلیج فارس» را به کار برده است (ص ۲۲۴ کتاب)

ب: همچنین در قرارداد «پروازهای تجاری بین شیخ سعیدبن مکتوم حاکم دبی و نماینده‌ی حکومت بریتانیا» در ۲۲ جولای سال ۱۹۳۸ در متن انگلیسی این قرارداد نام خلیج فارس به قرینه حذف شده؛ اما در متن عربی خلیج فارس را بدون تحریف و به صورت کامل آورده است، به طوری که در بند پنجم این قرارداد در متن انگلیسی آمده است:

«هر گاه یکی از کارکنان شرکت جرمی را مرتکب شود شیخ (حاکم دبی) می‌تواند علیه فرد نزد نماینده‌ی سیاسی (خلیج فارس) شکایت نماید تا پس از بررسی علیه وی اقدام لازم را به عمل آورد.»



کاربرد مستمر و بدون وقفه‌ی نام خلیج فارس در مکتوبات عربی و اسلامی، به ویژه در تمامی کتب جغرافیایی، تمام تفاسیر قرآنی و کتب مذهبی (۸۰ مورد)، نقشه‌ها و اسناد این نام را به یک میراث اسلامی و عربی تبدیل کرده است

توضیح این که عنوان کامل «تمایندهی سیاسی» در تمام مکاتبات رسمی چنین است: (مقیم سیاسی بریتانیا در خلیج فارس) که در متن عربی به این صورت و به طور کامل آورده شده است:

«إذا أجزم أحد من موظفی الشر که فیقدم الشیخ شکایه علیه عند رئیس الخلیج الفارسی الذی سیحقق فی الأمر و یتخذالأجرات الی برهاها مناسبه»، (ص ۲۲۷ کتاب) ^۲.

۱- قرارداد ۲۲ اکتبر ۱۸۱۴ «بوشهر» ویلیام بروس با شیوخ جواسم در متن عربی و انگلیسی کلمه‌ی فارسی «قولنامه» نیز به کار رفته است.

۲- در معاهده‌ی صلح کامل با شیوخ عرب در خلیج فارس (معاهده السلام ۱۸۲۰ م.) شماره XXXI7 که قرارداد صلح ۱۱ ماده‌ای است و به «معاهده‌ی عمومی با امرای عرب خلیج فارس» معروف است و در ۸ و ۱۱ ژانویه ۱۸۲۰ میان اقوام و مشایخ متصالح در خلیج فارس و به امضای ژنرال کایر و یازده نفر از رؤسای قبایل عرب رسیده است، اصطلاح «بحرالفارسی» در متن عربی و در ماده‌ی ۶ به کار رفته است.

۳- معاهده‌ی الهدنة البحریه الاولی (قرارداد اول صلح در دریا) ۱۸۳۵/۵/۲۱ م. امضای سلطان بن صقر - عبدین سعید - روشیدین حومد - حاجی احمد - شخبوت - ملاحسین، اس هتل قائم بالأعمال فی خلیج الفارسی

متن انگلیسی: اس. هتل S.Hennell Assistt.in charge Pr.Gulf.

۴- معاهده‌ی الهدنة البحریه الثانیة (قرارداد دوم صلح در دریا) ۱۸۳۶/۴/۱۳ م.

۵- معاهده‌ی الهدنة البحریه الثالثة (قرارداد سوم صلح در دریا) ۱۸۳۷/۴/۱۵ م.

۶- معاهده‌ی الهدنة البحریه الرابعة و منع حمل الرقیق (قرارداد چهارم صلح در دریا و جلوگیری از خرید و فروش و یا حمل برده) ۱۸۳۸/۴/۱۷ م.

۱- قرارداد ۱۷ آوریل ۱۸۳۹ بیست و دو محرم ۱۲۵۴ قمری با شیخ جواسم سلطان بن صقر برای بازرسی لنج‌های مشکوک به بردگان زنگی

۲- قرارداد شماره NO XXXVI به تاریخ سوم جولای ۱۸۳۹ با شیوخ خلیج فارس برای مجازات دزدان دریایی (قرصنه) (گرسنه) در سه بند.

۳- قرارداد «۱۰ ساله» بریتانیا با شیوخ ساحل عربی در خلیج فارس ژوئن ۱۸۴۳ (دارای ۴ بند).

۴- قرارداد ۱۸۴۷ م. منع خرید و فروش برده که به امضای شیوخ امارات سواحل عربی خلیج فارس، از جمله سلطان بن صقر و شیوخ عجمان، دبی، شیخ ام‌ال‌قویین و شیخ زاید رسیده است.

۵- معاهده‌ی دائمی صلح ۲۴ اوگوست ۱۸۵۳ م. که به امضای شیوخ امارات سواحل عربی خلیج فارس رسیده است.

۶- معاهده‌ی ۱۸۴۷ م. با شیخ سلطان بن صقر حاکم راس الخیمه و شارجه برای منع تجارت برده در ساحل عربی و فارسی در خلیج فارس

۷- معاهده‌ی ۱۸۵۶ م. شیوخ متصالحه در تکمیل قرارداد اول می ۱۸۴۷ منع تجارت برده

۸- قرارداد صلح دائمی شیوخ متصالحه ۴ می ۱۸۵۳ برابر با ۲۵ رجب ۱۲۶۹ با قبطان کنیل بالیوز خلیج فارس

۹- قرارداد متمم برای قرارداد ۱۴ می ۱۸۵۳ برابر با ۲۵ رجب ۱۲۶۹ در خصوص امنیت در بانوردی و خطوط تلگراف در خلیج فارس در تکمیل معاهده ۱۸۵۳ م. که در سال ۱۸۶۴ برابر با ۱۱ ذی‌القعده ۱۲۸۰ قمری به امضای شیوخ امارات سواحل عربی خلیج فارس رسیده است و تعهد شده که آسیبی به سیم‌های تلگراف در هر جای خلیج فارس که باشد، نرسانند.

۱۰- معاهده‌ی ۵ ماده‌ای ۲۴ ژوئن ۱۸۷۹ م. شیوخ متصالح (امیرنشین‌های جنوب خلیج فارس) برابر با ۳ رجب ۱۲۹۶

۱۱- معاهده‌ی تحت‌الحمایگی «پروتکتوریت» و منع شدن شیوخ عرب از بستن قرارداد با دولت‌های بیگانه (۱۸۹۲ م.) این

از سال ۱۵۰۷ تا ۱۹۶۰م. در همه قراردادهای و معاهده‌هایی که پرتغالی‌ها، اسپانیایی‌ها، انگلیسی‌ها، هلندی‌ها، فرانسوی‌ها، بلژیکی‌ها، روس‌ها و آلمانی‌ها با دولت ایران و یا هرکشور و پدیده‌ی سیاسی و یا امرای تحت‌الحمایه خود در منطقه امضاء کرده‌اند، در زبان‌های مختلف، واژه‌های مترادف با خلیج فارس را به کار برده‌اند

خلیج فارس

قرارداد توسط ۶ شیخ یا حاکم ابوظبی - شارجه - دوبی - عجمان - ام‌القوین - رأس‌الخیمه و از طرف بریتانیا توسط A.C. PERSIAN GULF RESIDENT, COL. TALBOT LEIUT. امضا شده است.

۱۲- قرارداد ۱۸۹۲ برابر با ۹ شعبان ۱۳۰۹ قمری تعهد شیوخ متصالح با بریتانیا که رابطه‌ی سیاسی به‌جز با بریتانیا نداشته باشند در این تعهدنامه تمامی شیوخ با ذکر نام خود اعلام کرده‌اند که در حضور ای‌سی تالبت سی‌ای کی البایوز در خلیج فارس، التزام می‌بندند که به بندهای این تعهدنامه پایبند باشند.

۱۳- قرارداد منع خرید و فروش سلاح نظامی ۲۵ نوامبر ۱۹۰۲ با امضای حاکم دبی، شارجه، ام‌القوین، ابوظبی و مقیم‌السیاسی فی الخلیج الفارسی. POLITICAL RESIDENT, PERSIAN GULF COL. LIEUT. KEMBALL, C.A.

۱۴- قرارداد ایجاد ایستگاه هوایی (فرودگاه) بین شیخ سلطان بن صقر و نماینده‌ی بریتانیا در خلیج فارس سرهوک بیسکویی. ۱۵- قرارداد شیخ شخبوط سلطان حاکم ابوظبی و کمپانی دارسی ۹ مارس ۱۹۵۳ در این قرارداد شش بار خلیج فارس به کار رفته از جمله در بند ۲ آمده است در منطقه صلاحیت شیخ مطابق بیانیه ۱۲ شعبان ۱۳۶۸ مطابق ۱۰ جون ۱۹۴۹ بستر دریا و سطح دریا مجاور آب‌های خلیج فارس حق اکتشاف برای ۶۵ سال به طور انحصاری به کمپانی دارسی واگذار می‌شود. بند ۳ صلاحیت اکتشافات در تمام منطقه‌ی ساحلی تا اتصال به خلیج فارس و تا منطقه‌ی صلاحیت شیخ دبی و جزایر را شامل می‌شود و نقشه ضمیمه قرارداد می‌شود.

بند ۸ فروش نفت برابر با نرخ خواهد بود که کمپانی در دیگر مناطق خلیج فارس تعیین می‌کند. بند ۲۸ درخصوص اختلافات مقیم سیاسی در خلیج فارس می‌تواند داور تعیین کند. مقیم سیاسی در خلیج فارس می‌تواند در ظرف ۶۰ روز از اختلاف، داور و یا داورانی تعیین کند.

۱۶- قرارداد دارسی در خصوص تعیین منطقه‌ی دریایی شیخ ابوظبی ۲۲ مارس ۱۹۵۵ - ساحل و بستر و آب‌های سطحی منطقه‌ی شیخ با خلیج فارس.

۱۷- در سخنرانی لرد کوزن در تاریخ ۲۱ نوامبر ۱۹۰۳ برابر با شعبان ۱۳۲۱ قمری در حضور شیوخ و رعایای عرب قرائت شده است و تصویر متن عربی آن در کتاب علی‌محمد راشد موجود است و در آن آمده است که صد سال قبل در اینجا جز قتل و غارت و هرج و مرج و بردگی چیزی وجود نداشت اما امروز امنیت به «خلیج فارس» برگشته است و مردم در آرامش به سر می‌برند.

در کتاب «تاریخ الكويت الحدیث» نوشته‌ی دکتر احمد مصطفی ابو حاکمه، ذات‌السلاسل ۱۹۸۴ معاهدات حاکم کویت و بریتانیا ضمیمه‌ی این کتاب است که در ۶ معاهده نام خلیج فارس به کار رفته است. در صفحات ۴۰۰ - ۴۰۷ - ۴۰۸ - ۴۲۴ - ۴۲۵ - ۴۲۶

«معاهده‌ی عمومی با اقوام عرب» ص ۴۰۰، نامه مبارک‌الصباح حاکم کویت ۲۶ ذی‌القعدة ۱۳۳۱ به سرپرستی کاکس بالیوز و قنصل جنرال انگلیز در خلیج فارس، ص ۴۲۶.

نامه‌ی «پرسی کاکس» ۲۷ اکتبر ۱۹۱۳ بالیوز خلیج فارس به مبارک‌الصباح ص ۴۲۵، نامه مبارک‌الصباح به قنصل جنرال خلیج فارس موضوع قرارداد سیم تلگراف ص ۴۲۴ و در صفحه‌ی ۴۰۸ معاهده‌ی بین حاکم کویت مبارک‌الصباح با کرنل ملکم جان میداندین که در آن حاکم کویت متعهد می‌شود هیچ قرارداد و واگذاری اراضی با هیچ کس بدون بالیوز انگلستان در خلیج فارس انجام ندهد. ۱۰ رمضان المبارک ۱۳۱۶ مطابق ۲۳ جنوری سنه ۱۸۹۹ و در صفحه ۴۰۷ «معاهده دریایی» تعهد صباح ابن جابر، به نیابت از پدرش جابر ابن عبدالله‌الصباح حاکم کویت به قیطان هنل (کاپیتان هنل) بالیوز در خلیج فارس تعهد می‌سپارد که به قرارداد صلح دریایی پایبند و همه‌گونه تلاش برای استقرار امنیت به کار گیرد. امضاء اول ربیع الاول سنه ۱۲۵۷ ق. مطابق ۱۸۴۱ م.



در قراردادهایی که میان امرای عربی کویت، عربستان، بحرین، عراق، عمان و امارات متصالحه با فرستادگان دول خارجی منعقد شده، به زبان عربی «خلیج فارس و بحر فارس» و معادل انگلیسی آن «پرشین گلف» به کار رفته است

۱۸- در چند قرارداد دیگر میان بریتانیا و امیر کویت و همچنین در یادداشت‌هایی که منجر به استقلال کویت شد و می‌توان آن را قرارداد استقلال کویت نامید، همه جا از عبارت «خلیج الفارسی» استفاده شده است. در عنوان یادداشت امیر کویت ۱۹۶۱ به نمایندگی ملکه‌ی انگلیس در خلیج فارس نیز چنین آمده است:

۱۹- «حضرت صاحب‌الفخامه‌المقیم‌السیاسی لصاحبه جلاله فی‌الخلیج‌الفارسی‌المحترم». این سند که در تاریخ ۱۹ ژوئن ۱۹۶۱ توسط عبدالله‌السالم‌الصباح امضاء شده است، طبق اصل ۱۰۲ منشور سازمان ملل در دبیرخانه‌ی این سازمان به ثبت رسیده است و یک سند قابل استناد در دعاوی بین‌المللی است.

۲۰- جزئیات بعضی از این گونه معاهدات، در کتاب «خلیج فارس» آرنولد ویلسن و کتاب تاریخ‌الحدیث‌الکویت بیان شده است.

۲۱- در ضمایم قرارداد الجزایر ۱۹۷۵ میلادی نیز که به پیمان صلح میان ایران و عراق معروف است، عنوان «خلیج فارس» به کار رفته است. در چندین معاهده‌ی دیگر که در همه‌ی آن‌ها شیوخ خلیج فارس و بریتانیا، یا شیوخ خلیج فارس و سایر دولت‌های خارجی امضاءکنندگان آن بوده‌اند، عبارت «خلیج فارس» به کار رفته است.

۲۲- در گزارش نهایی کمیته فنی اعزامی از سوی سازمان ملل برای تعیین حدود مرزی کویت و عراق در سال ۱۹۹۶ م، همه جا از نام خلیج فارس استفاده شده و در نقشه‌ی ضمیمه‌ی گزارش که به عنوان سند شورای امنیت منتشر شده است نیز «خلیج فارس» به کار رفته است.

در تعداد دیگری قرارداد هم نام خلیج فارس به کار رفته به طور مثال در:

۲۳- در قرارداد ۲۶ ماده‌ای دولت پاکستان و بریتانیا تبادل پول توسط شرکت‌های پستی دو کشور ۲۲ جولای ۱۹۵۲ به امضای اس.ای صدیقی و دلاوار رسیده است ۵ بار خلیج فارس به کار رفته است.

۲۴- در قرارداد ۲۹ ماده‌ای توسط شرکت‌های پستی هند و بریتانیا ۱۹۵۱ میان دولت بریتانیا و اداره پستی خلیج فارس و دولت هند که به امضای نس ادوارد و راج بهادور رسیده است ۳ بار خلیج فارس به کار رفته است. این دو قرارداد در سال ۱۹۵۳ در سازمان ملل به ثبت رسیده است.

همچنین در قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی مربوط به جنگ اول و دوم خلیج فارس بارها نام خلیج فارس به کار رفته است.

در قراردادهای دیگری نیز نام خلیج فارس به کار رفته به طور مثال در:

۲۵- در قرارداد ۲۶ ماده‌ای تبادل پول توسط شرکت‌های پستی دو کشور ۲۲ جولای ۱۹۵۲ میان دولت بریتانیا و اداره پستی خلیج فارس و پاکستان که به امضای اس.ای صدیقی و دلاوار رسیده است ۵ بار خلیج فارس به کار رفته است.

۲۶- در قرارداد ۲۹ ماده‌ای تبادل پول توسط شرکت‌های پستی هند و بریتانیا ۱۹۵۱ میان دولت بریتانیا و اداره پستی خلیج فارس و دولت هند که به امضای نس ادوارد و راج بهادور رسیده است ۳ بار خلیج فارس به کار رفته است. این دو قرارداد در سال ۱۹۵۳ در سازمان ملل به ثبت رسیده است.

۶. نام خلیج فارس و حقوق بین‌الملل

در جریان تدوین حقوق دریاها، بارها نمایندگان دولت‌های مختلف درباره‌ی رژیم حقوقی دریاها بسته و نیمه‌بسته از «خلیج فارس» نام برده‌اند و آن را بهترین نمونه‌ی دریاها نیمه‌بسته دانسته‌اند. در نهایت، ماده‌ی ۱۲۲ و ۱۲۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ م. حقوق دریاها، خلیج‌هایی مانند خلیج فارس را مصداق دریاها بسته و نیمه‌بسته دانسته و از این لحاظ آن‌ها را دارای رژیم حقوقی خاص دانسته است که شامل عبور آزادانه‌ی کشتی‌هاست و در هر حال بخشی از میراث مشترک بشریت محسوب می‌شود.

در گزارش نهایی کمیته فنی اعزامی از سوی سازمان ملل برای تعیین حدود مرزی کویت و عراق در سال ۱۹۹۶ م. همه جا از نام خلیج فارس استفاده شده و در نقشه‌ی ضمیمه‌ی گزارش که به عنوان سند شورای امنیت منتشر شده است نیز «خلیج فارس» به کار رفته است

خلیج فارس

مصوبات سازمان ملل به عنوان یکی از منابع حقوق بین‌الملل

در عصر ارتباطات و دیجیتال، اختلاف و تعدد نام‌های جغرافیایی در بسیاری از نقاط دنیا مسائل و مشکلاتی را ایجاد می‌کند. در نتیجه در سال ۱۹۶۰ م. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل به دبیرکل سازمان مأموریت داد تا برای حل و فصل این گونه اختلاف‌ها، کنفرانسی را برگزار کند. در سال ۱۹۶۷ م. اولین کنفرانس یکسان‌سازی و استاندارد کردن نام‌های جغرافیایی سازمان ملل با شرکت هیأت‌های علمی و اجرایی جغرافیایی سراسر جهان در ژنو برگزار شد. این کنفرانس را یک نهاد و یا گروه تخصصی به نام UNGEGN (انگینگن) که بر اساس قطعنامه‌های شماره: ۷۱۵ (آوریل ۱۹۵۹) و ۱۳۱۴ (۱۹۶۸) و تصمیم ۴ مه ۱۹۷۳ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (ESCOSOC) تأسیس شد، از نظر علمی و اجرایی پشتیبانی می‌کند. ضرورت یکسان‌سازی، یگانه‌سازی، وحدت در تلفظ و آوانگاری اسامی جغرافیایی و جلوگیری از ابهام و تعدد نام‌ها در عصر ارتباطات و جهان امروز، سازمان ملل را ناچار کرد که در این خصوص نهادهای قانونمند تأسیس کند. UNGEGN یکی از هفت نهاد قانونمند ESCOSOC در سازمان ملل متحد است. این نهاد برای یکسان‌سازی اسامی جغرافیایی در سطح ملی و بین‌المللی تلاش می‌کند. تصمیمات و اقدامات آن به صورت قطعنامه در کنفرانس UNCSGN که هر پنج سال یک‌بار برگزار می‌شود، به تصویب می‌رسد و همه‌ی ارکان سازمان ملل و سازمان‌های تخصصی بین‌المللی، غیردولتی و یا دولتی، موظف به اجرای این قطعنامه هستند. تمامی کشورهای عربی در همین کنفرانس (ژنو) با پیشنهاد اسرائیل برای تغییر نام خلیج عربی (عقبه) به شدت مخالفت نموده و تغییر این نام را خلاف عرف رایج دانستند که نظر عرب‌ها مورد حمایت کشورها واقع شد و اسرائیل خواسته خود را پس گرفت.

از نظر حقوقی این اقدام کشورهای عربی می‌تواند علیه خود آن‌ها در موضوع مشابه مورد استناد قرار گیرد.

مصوبات کنفرانس یکسان‌سازی سازمان ملل - از جمله قطعنامه شانزدهم کنفرانس سوم - سیاسی شدن نام‌های جغرافیایی را محکوم و اعلام کرده است که این گونه تغییرات را درباره‌ی نام‌های جغرافیایی به رسمیت نمی‌شناسد.^۸ قطعنامه‌های ۲۵ و ۳۴ کنفرانس دوم، و قطعنامه ۲۰ کنفرانس سوم، و قطعنامه ۲۵ کنفرانس پنجم، به اختلاف بر سر موضوع نام‌های جغرافیایی مشترک میان چند کشور مربوط می‌شود، که همگی به گونه‌های دوپهلوسو و استنادهای متناقضی دارد. این قطعنامه‌ها باید به منظور حفظ نام‌های تاریخی، شفاف‌تر شود.^۹

در بخش دبیرخانه سازمان ملل متحد، تلاش‌های نمایندگی دائم ایران نتایجی را در برداشته است: از جمله دبیرخانه سازمان ملل یادداشت مورخ ۵ مارس ۱۹۷۱ و یادداشت شماره ۷۶/۱ مورخ ۲۴ می ۱۹۷۶ را در ضرورت به کار بردن نام اصیل خلیج فارس در تمامی زبان‌های سازمان ملل و ارگان‌های آن صادر کرد.

از سال ۱۹۷۱ م که برای اولین بار واژه‌ی مجعول «خلیج» در مکاتبات سازمان ملل به جای خلیج فارس به کار رفت، تا سال ۱۹۷۹ م بیش از ۱۴ یادداشت اعتراض‌آمیز در خصوص ثبت ناقص The Gulf به جای Persian Gulf از سوی نمایندگی ایران در سازمان ملل صادر شد.

در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۳ م برخی از فعالیت‌ها و مکاتبات اعتراض‌آمیز نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در نیویورک، منجر به صدور دستورالعمل ژانویه ۱۹۹۰ و مارس ۱۹۹۱ دبیرخانه سازمان ملل برای حراست از نام خلیج فارس و مخالفت با کاربرد ناقص آن شد.

علاوه بر این، دبیرخانه سازمان ملل متحد در خصوص به کار بردن نام صحیح خلیج فارس، دستورالعمل‌های دیگری نیز صادر کرده است که از آن جمله به موارد زیر اشاره می‌شود:

۱- یادداشت شماره‌ی L.A.54.8.2، مورخ ۱۰ اوت ۱۹۸۴، به نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل.

۲- بخشنامه شماره‌ی CAB/۱۷۸/۳۶، مورخ ۱۹۸۷/۲/۱۶، مدیرکل یونسکو.



۳- بخشنامه شماره ۹۲/ST/CSSER، مورخ ۱۰ ژانویه ۱۹۹۰.

۴- بخشنامه شماره ۱۱۳/AD/GEN، مورخ ۵ مارس ۱۹۹۱.

۵- بخشنامه شماره ۹۲/ST/CS/SER.A/Add، مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۹۲.

۶- بخشنامه شماره ۹۲/ST/CS/SER.A/Add، مورخ ۱۸ اوت ۱۹۹۴.

۷- بخشنامه شماره ۹۲/ST/CS/SER/Rev، مورخ ۱۴ مه ۱۹۹۹.

در همه‌ی این یادداشت‌ها و بخشنامه‌ها خواسته شده است که از پهنه‌ی آبی جنوب ایران با نام «خلیج فارس» در تمام زبان‌های و مکاتبات دبیرخانه استفاده شود دستورالعمل‌های فوق را می‌توان به نوعی تأکید عرف و حقوق بین‌الملل در این خصوص نامید.^۱

تمامی آژانس‌ها، نهادها و مؤسسات وابسته به سازمان ملل (بیشتر از ۲۵ مؤسسه و کارگزاری) و همچنین تمامی سازمان‌های بین‌المللی و بین‌الدولی (باستثنای اتحادیه‌ی عرب) نام خلیج فارس را به رسمیت می‌شناسند و از کاربرد نامی غیر از آن خودداری می‌کنند از جمله آن‌ها می‌توان سازمان‌های زیر را نام برد:

UNESCO- UNEP- UNGIS- WTO- UNGI- UNGEGN- ISO – IHA- UNICODE- IHB- IMO- IHO
UNCSGN- IAPO- ICA- WB- HABITAT-

خلاصه‌اینکه:

هیچ اصل و قاعده‌ای عرفی و حقوقی اجازه نمی‌دهد که دولت واحدی و یا چند دولت به دلخواه خود و بنا بر اهداف سیاسی، به تغییر نام جغرافیایی یک پهنه‌ی آبی بین‌المللی مانند نام بین‌المللی خلیج فارس اقدام کنند؛ چنین تغییری فقط با مجوز مجمع عمومی کنفرانس یکسان‌سازی نام‌های جغرافیایی UNCSGN امکان پذیر است. بلکه به عکس، قطعنامه‌ی شماره ۹ مجمع عمومی کنفرانس یکسان‌سازی اسامی جغرافیایی سازمان ملل، (۱۳۸۱ ش.) برلین، به صراحت نام‌های تاریخی را میراث فرهنگی و تاریخی ملت‌ها دانسته و به طور ضمنی تغییر این گونه نام‌ها را محکوم می‌کند.

تغییر نام خلیج فارس بر خلاف عرف، منطق و حقوق بین‌الملل و بر خلاف معاهده‌های بین‌المللی مربوط به مالکیت معنوی و معاهدات مربوط به امور علمی و فرهنگی است.

پی‌نوشت

۱- مراجعه شود به دو مقاله‌ی اعتراف روشنفکران عرب به اصالت نام خلیج فارس و «الخلیج الفارسی تراث عربی اسلامی دیدگاه ژنرال مجدی عمر، دکتر عبدالمنعم سعید، پرفسور عبدالهادی التازی، محمد العابد الجابر، محمد ارکون و احمد الصراف... کلام الناس الخلیج الفارسی (أحمد الصراف)

<http://www.alqabas.com.kw/Article.aspx?id=586451&date=18032010>

www.parssea.persianblog.ir

۲- برای اطلاع از کتاب‌های تفسیر قرآن و احادیث مراجعه شود به: www.bahrefars.persianblog.ir و به کتاب اسناد نام خلیج فارس میراثی کهن و جاودان، محمد عجم، نشر اوین ۱۳۸۸

۳- برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به:

۱- کتاب اسناد نام خلیج فارس میراثی کهن و جاودان، محمد عجم، نشر اوین، ۱۳۸۸

۲- مجموعه‌ی عهدنامه‌های تاریخی ایران، از عهد هخامنشی تا عهد پهلوی، ع- وحید مازندرانی، ۱۳۵۰، انتشارات وزارت امور خارجه، متن انگلیسی چند قرارداد در مجموعه عهد و اسناد اچیسس درج شده که وی آن‌را از متن سفرنامه فرایر به نام نه سال سفر فرایر در ایران از ۱۶۷۲ تا ۱۶۸۱ نقل کرده است این سفرنامه در سال ۱۹۰۰ توسط بنگاه‌ها کلویت در سال ۱۹۰۰ در لندن چاپ شده

۳- راشد، علی محمد. **الاتفاقات السياسية والاقتصادية التي عقدت بين الامارات ساحل عمان و بریتانیا (۱۸۰۶ - ۱۹۷۱)**، منشورات اتحاد کتاب و ادب الامارات، ۱۹۸۹

۴- کتاب معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، صفحه ۶۳ تا ۶۸

۴- فصل پنجم اگر از سواحل هندوستان قشون و لشکر وارد بحرالعجم شده باشد و قبل از مجوز اولیای دولت علیه ایران در جزیره‌ی خارک یا جای دیگر از سواحل عمان نزول کرده باشند، به هیچ وجه من‌الوجه دخل و تصرفی در آن جانکرده‌ها و تاریخ عهدنامه میمونه قشون مذکور در تحت اختیار اولیای دولت ایران باشد

۵- فصل نهم- اگر در بحرالعجم اولیای دولت بهیبه ایران را امدادی ضرور شود، اولیای دولت بهیبه انگلیس به شرط امکان در آن وقت کشتی جنگ و قشون بدهند و اخراجات آن را موافق برآورد آن وقت قطع و فصل نموده باز یافت نمایند کشتی‌های مزبور بر آن خورها و لنگرها عبور کند که امنای دولت علیه ایران نشان (مجوز) بدهند و از جای دیگر بی رخصت و بدون ضرورت عبور نکنند. سواد امضای نایب‌السلطنه عباس میرزا: ۱۴ مارس ۱۸۱۲

- ۶- «الاتفاقات السياسية والاقتصادية التي عقدت بين الامارات ساحل عمان و بریتانیا ۱۸۰۶ - ۱۹۷۱ م. علی محمد راشد»
 ۷- همان - گفتنی است که در کتاب «تاریخ الکویت الحدیث نوشته‌ی دکتر احمد مصطفی ابو حاکمه، ذات السلاسل ۱۹۸۴» معاهدات حاکم کویت و بریتانیا ضمیمه‌ی این کتاب است که در ۶ معاهده نام خلیج فارس به کار رفته است. صفحات ۴۰۰ ص ۴۲۶ ص ۴۲۵ ص ۴۲۴ ص ۴۰۸ ص ۴۰۷
 8 - <http://unstats.un.org/unsd/geoinfo/gegn23wp61.pdf>
<http://www.persiangulfstudies.com/en/index.asp?P=NEWS2&Nu=47>
 ۹ - مراجعه شود به کتاب خلیج فارس نامی کهن و میراث فرهنگی، محمد عجم، تهران ۱۳۸۳ نشر توپا، لتوگرافی پارت.
 UNGEGN-United Nations Group on Geographic Names
 UNCSGN - United Nation Conference on Standardization of Geographical Names.

۱۰ - اصل یادداشتهای دبیرخانه سازمان ملل را در این سایت ببینید:

www.parssea.persianblog.ir

<http://www.persiangulfstudies.com>

مقاله‌ی جمال عبدالناصر پس از سخنرانی معروف او «خطاب تأمیم قناته السوی» ۱۹۵۶/۷/۲۶ برای اعلام ملی کردن کانال سوئز «که فریاد زد: کلنا سنعمل؛ حتی یمتدالوطن العربی من المحيط الأطلسی الی الخلیج الفارسی». سخنرانی ناصر روز بعد در همه‌ی روزنامه‌های مصر از جمله الاهرام منتشر شد و سپس این جمله به شاه بیت سروده‌ی انقلابی مصر تبدیل شد و سرود من المحيط الاطلسی الی خلیج الفارسی مرتب از رادیو قاهره پخش می‌شد. همچنین مقاله‌ی عبدالناصر که در روزنامه‌های عربی و از جمله دارالاهلال بنابر سال ۱۹۵۷ با عنوان «عرب امتی یگانه» چاپ شده که در آن «الخلیج الفارسی» در اشاره به مرزهای وطن عربی «من شاطی الخلیج الفارسی الی شاطی الأطلسی» چاپ شده است. این مقاله همچنین در کتاب‌های درسی مصر چاپ شده است که تصویر زیر مربوط به صفحه ۶۱ کتاب سوم دبیرستان کتاب «المعنی» کتاب ادبیات و بلاغت (شیوایی گفتار) چاپ ۱۹۶۳ دارالقلم قاهره است.

